

برنامه تلویزیونی درس‌هایی از قرآن: **قرآن**
 همراه با سئوالات مسابقه
 موضوع: **تقلید درست و نادرست**
تاریخ پخش: ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۳
 حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

موضوع: تقلید درست و نادرست

تاریخ پخش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی
 بالهدی و الهمنی التقوی

در خدمت عزیزان هستیم در یکی از مناطق تهران، نسل نو بحث تقلید بود. اصولاً تقلید در قرآن داریم یا نه. حدیث داریم یا نه، چه تقلیدی درست است و چه تقلیدی غلط است. جلسه قبل یک تکه‌هایی را گفتیم و یک تکه‌هایی را نگفتیم.

بسم الله الرحمن الرحیم، موضوع: تقلید. [پای تخته می‌نویسند] دلیل قرآنی، دلیل روایی، دلیل تجربی، انواع تقلید، شبهات، جواب شبهات، دلیل قرآنی؛

۱- آیات قرآن درباره تقلید از عالمان

قرآن می‌فرماید: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (نحل/ ۴۳) یعنی هر چیزی را بلد نیستی «فاسئلوا» یعنی سؤال کنید. حتی خدا به پیغمبر می‌گوید: تو هم از انبیای قبل تقلید کن. آیه‌اش این است «فَبِهْدَاهُمُ اقْتَدِهْ» (انعام/ ۹۰) اقتده یعنی اقتدا کن. یعنی ای پیغمبر اسلام انبیای قبلی چه کردند؟ تو هم راه انبیای قبلی را برو. «فَاصْبِرْ» صبر کن، مقاومت کن. «كَمَا صَبَرَ أُولَآءِ الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف/ ۳۵) انبیای قبلی چه کردند، تو هم مقاومت کن. «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ» (آل عمران/ ۱۴۶) قرآن می‌گوید: چه انبیایی و چه یارانی، چه جبهه‌هایی داشتند، خسته نشدند. سست نشدند و ضعیف نشدند. «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ» (مریم/ ۴۱) ببین ابراهیم چه کرد، یعنی یاد بگیر. از خانم‌ها «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» (مریم/ ۱۶) پیغمبر، یاد مریم را زنده نگه دارد، مریم چه کرد؟ ابراهیم چه کرد؟ روضه‌خوانی‌هایی که ما ایام عاشورا می‌کنیم. یعنی چه؟ یعنی ببینید ابالفضل (ع) آب را تا لب دهانش آورد بخورد بعد دید بچه‌های امام حسین تشنه هستند، نخورد. گفت: مردانگی این نیست که بچه تشنه باشد و من آب بخورم. آب را نخورد. یعنی شما یک چیزی در بانک ذخیره کردی و مردانگی این است که من این همه پول ذخیره در بانک داشته باشم و مردم برای چند میلیون و چند هزار تومان بال بال بزنند و گرنه ابالفضل بود و آب را نخورد، خوب به ما چه؟ یعنی تو هم پول داری، همینطور که او از آب گذشت، تو هم از بگویند... پول بگذر.

زینب کبری غروب عاشورا که شب شد، زینب عاشورا... نماز شبش را ایستاده می‌خواند، منتهی چون هجده داغ دیده بود، دیگر نتوانست افتاد و نشست ولی از خدا دست نکشید. ما الان دختر می‌گویید: آقای قرائتی می‌خواهم نماز بخوانم ولی لاک هم زدم و لاک را هم دوست دارم. لاک یا خدا؟ لاک، (خنده حضار)

۲- دستور امامان علیهم السلام در رجوع به عالمان دین

روایات به ما گفتند و سفارش کردند که زمانی که امام زمان (ع) غایب است و دست شما به او نمی‌رسد،

دینتان را از کسی بگیرید که عالم باشد، متقی باشد و هوس هم نداشته باشد، یعنی طبق هوسش حرکت نکند. عالم متقی که دنباله رو هوسش نباشد. اسم هم بردند. از عبدالعظیم، حضرت عبدالعظیم شهرری کنار تهران، زیارت حضرت عبدالعظیم ثواب زیارت کربلا دارد. از عبدالعظیم دینتان را بگیرید. «أنت ولینا حقا» این جمله را امام به عبدالعظیم حسنی گفت. تو حقیقتاً ولی ما هستی. خوشا به حال اهوازی‌ها، یک کسی اهواز است به نام علی بن مهزیار، الله اکبر، امام جواد به ایشان گفت: روی کره زمین از تو بهتر سراغ ندارم. اگر بگویم در عمرم از تو بهتر ندیدم، درست گفتم.

زکریا بن آدم، داشتیم اولیای خدا که گفتند: تقلید کن. این برای قرآن و حدیثش، بعد سراغ تجربی می‌رویم. اصلاً روی کره زمین کسی نیست تقلید نکند. یک نفر را پیدا کنید که بگوید: من لباس‌هایم را خودم می‌دوزم. به خیاط می‌دهد. لباسش را خودش می‌دوزد. خانه‌اش را هم خودش، نه خانه‌اش را به بنا و مهندس می‌دهد. تقلید یعنی رجوع به کارشناس، هیچ می‌دانید مراجع تقلید خودشان هم تقلید می‌کنند؟ مراجع تقلید هروقت مریض می‌شوند دکتر می‌روند. هرچه دکتر گفت، چشم می‌گویند. این قرص را صبح بخور، چشم، این را ظهر بخور، این را شب. این را هشت ساعت به هشت ساعت و این را شش ساعت به شش ساعت. آن را نصف بخور، این را یکی بخور، این را دو تا با هم بخور. این را قبل از غذا بخور، هرچه دکتر گفت مرجع تقلید گوش می‌دهد همانطور که مراجع تقلید از پزشک‌ها تقلید می‌کنند، پزشک‌ها هم باید دینشان را از مراجع تقلید، تقلید کنند. تجربه یعنی همه مردم کره زمین، هرکسی هرچه را نمی‌داند از کسی که بلد است می‌پرسد.

انواع تقلید، گفتیم انواع تقلید چهار مورد بود که در یکی ماندیم جلسه قبل بگوییم. گفتیم که انواع تقلید؛ [پای تخته می‌نویسند] ۱- عالم از عالم ۲- جاهل از جاهل ۳- عالم از جاهل ۴- جاهل از عالم

۳- مدپرستی، تقلید نابجا و کورکورانه

مورد اولی غلط است. عالم از عالم، غلط است چرا؟ برای اینکه خودم عالم هستم و می‌فهمم. یک کسی یک کار غلطی می‌کند همه یاد می‌گیرند. عالم از عالم غلط است. مدپرستی یعنی چه؟ یعنی خودت یکوقت یک زمانی یک جوانی با زلف‌های خیلی بزرگی آمد گفت: آقای قرائتی، قیافه من حرام است؟ گفتیم: نه، گفت: بعضی می‌گویند... گفتیم: خودت انتخاب کردی یا تقلید کردی؟ اگر خودت انتخاب کردی، انتخاب خودت ارزش دارد. اما اگر یکوقت او چنین کرد، تو چنین می‌کنی، یعنی تقلید کورکورانه، عالم از عالم ممنوع، جاهل از جاهل ممنوع، پیدا است دیگر... عالم از جاهل خیلی بد است. مدهایی که داریم خیلی‌ها نه... خودمان می‌دانیم خانه باید چطور باشد ولی می‌گوییم: نه، نقشه مهندسی است. ما یکجا رفتیم، در اداره‌ای بود. راهرویی داشت، سقفش خیلی پایین بود و همینطور به پیشانی من می‌خورد. گفتیم: چقدر سقف پایین است؟ گفتند: هیچی نگو اینجا نقشه مهندسی است. گفتیم: مهندس اتاق را ساخته و من هم آدم هستم می‌خواهم نفس بکشم. یک کسی پزشک می‌رفت، پول می‌داد و دارو می‌خرید و نسخه می‌گرفت ولی نمی‌خورد. گفتند: دکتر می‌روی پول می‌دهی، نسخه می‌گیری پول می‌دهی پس چرا داروها را نمی‌خوری؟ گفت: اما می‌روم دکتر پول می‌دهم چون دکتر می‌خواهد زندگی کند، باید پول‌ها را بگیرد و زندگی کند.

دارو هم می خرم چون داروسازی می خواهد زندگی کند و باید داروها را بفروشد. من هم می خواهم زنده بمانم، این همه دارو بخورم، می میرم. او می خواهد زندگی کند و من هم می خواهم زنده بمانم.

۴- تقلید عالم از جاهل، بدترین نوع تقلید

این عالم از جاهل، دخترعمویش کنکور قبول شده، این هم خودش را به آب و آتش می زند کنکوری شود. حالا ممکن است شما مغز کنکوری نداشته باشی ولی یک هنر دیگر داشته باشی. آخر خواستگار آمده هیچ کدام از دوستان ما هنوز ازدواج نکردند، یک کسی تشنه است، می گوییم: آقا آب، می گوید: نه من نمی خورم، چون دوستان من آب نخوردند. تشنه هستی آب بخور، چه کار به دوستانت داری. دختر بزرگ بیرون نرفته، دختر دوم گیر کرده است. بابا ممکن است دختر اول نمی خواهد ازدواج کند، دختر دوم بخواهد ازدواج کند، چرا راهبندان است؟ اینها یک تقلیدی...

در اولین فرصتی که زمینه برای ازدواج پیش می آید، حدیث است از خودم نیست. اول خواستگاری که می آید اگر اخلاقش، دینش، سلامتی اش را پسندیدید، سلامتی فکری و جسمی، اگر پسندیدید رد نکنید. ممکن است رد کنید، ما افراد زیادی داشتیم که خواستگارهای زیادی داشتند و بعد کم کم خواستگارهایشان تمام شده است. صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

من در مسجد دانشگاه وسط هفته نماز جماعت می خوانم، هروقت تهران باشم. همان جایی که نماز جمعه هست، شنبه، یکشنبه، دوشنبه گاهی ما می رویم. دختر خانمی برای من نامه نوشته بود، نامه را باز کردیم، دیدیم نوشته خدا لعنت کند پدرم را، (خنده حضار) خدا لعنت کند مادر را، ع... «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/۸۳) خدا لعنت کند رئیس دانشگاه را (خنده حضار) ای بابا، خدا لعنت کند پزشک مشاور مرا، ای بابا... نامه لعنت نامه بود. حالا چته؟ خواستگارهای زیادی داشتیم، پیش دانشگاهی، سال اول دانشگاه، سال دوم، با هر کس مشورت کردم، پدرم گفت: صبر کن لیسانس بگیری. مادرم گفت: صبر کن لیسانس بگیری. استاد دانشگاه گفت: صبر کن لیسانس بگیری. مشاور... همه گفتند: صبر کنید. ما صبر کردیم لیسانس گرفتیم، خواستگارها یک مرتبه کم شد. کم شد، خواستگار، گفتند: برو فوق لیسانس، رفتند فوق لیسانس دیگر اصلاً کسی در خانه ما را نمی زند. خدا چهارتایی آنها را لعنت کند. چرا باید اینطور باشد؟ آن کسی که امکان دارد ازدواج کند، ازدواج کند.

عالم از عالم، آدم می فهمد که این آدم غلط است. همه دورش هستند، خوب دورش باشند، من می دانم، من از این گناه سراغ دارم. من دیدم این گناهکار است و من با گناهکار دوست نمی شوم. آقا باقی ها دوست شدند، باقی ها هر کاری می خواهند بکنند. عالم از جاهل، جاهل از عالم درست است. این همان است که می گوییم: به کارشناس رجوع کنید. پس چهار رقم تقلید داریم سه تا غلط است و یکی درست است. این یک مسأله است. «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» در این جلسه با این نوجوان آشنا شدیم، آوردند پیش من گفتند: قاری است. تا گفتند: قاری است گفتم پس از وجود ایشان هم استفاده کنیم. گرچه من این را گفتم. این هم یک قصه دارد برای شما بگویم.

از من آمدند... خواهش می کنم آقایانی که روحانی هستند، طلبه هستند، استاد دانشگاه، معلم و مربی، با

عنایت گوش بدهند این قصه شیرین است. به من گفتند: شما بیا مسجد دانشگاه نماز جماعت بخوان. جمعه‌ها که نماز جمعه هست، شنبه، یکشنبه... گفتم: به شرطی می‌آیم که تفسیر هم بگویم. گفتند: دانشجویها صبح تا ظهر سر کلاس هستند. نماز و ناهار می‌آیند و دوباره باید سر کلاس بروند و وقت ندارند. گفتم: تفسیر ده دقیقه‌ای، خسته هستند. پنج دقیقه‌ای خسته هستند. یک دقیقه‌ای... خسته هستند، نیم دقیقه‌ای! گفتند: شما در نیم دقیقه تفسیر می‌گویید؟ گفتم: امتحان کنید. گفتم: ساعت را ببینید. ثانیه شمار! در قرآن بارها گفته: «کلوا» یعنی بخورید. تنها آیه‌ای که همه مردم به آن عمل می‌کنند همین آیه است، «کلوا» بخورید. هر جا می‌گوید: بخورید، کنار بخورید یک چیزی آورده است. یکجا می‌گوید: «کلوا... و اشکروا» خوردی شکر خدا را هم بکن. یعنی شکم باید رابطه با خدا داشته باشد، حالا که سیر شدی، الحمدلله، یکجا می‌گوید: «کلوا... انفقوا» به فقرا هم انفاق کن. «کلوا... اطعموا» به دیگران هم اطعام کن. یکجا می‌گوید: «کلوا لا تسرفوا» خوردی اسراف نکن. «کلوا و اعملوا صالحا» خوردی از انرژی آن یک کار خوبی انجام بده. پس کلوا کلوا هست، اما بخور بخور نیست. کنار خوردن یک مسئولیتی هم هست. والسلام علیکم و رحمه الله! این تفسیر سی ثانیه‌ای.

قبول کردند و گفتند: علمی حرف بزن. گفتم: چرا؟ گفتند: اینجا دانشگاه تهران است، بعضی استادها استاد تمام هستند. استاد تمام در دانشگاه یعنی آیت الله العظمی به اصطلاح ما آخوندها، یعنی بالاترین درجه... گفت: بعضی از اینها پروفیسور هستند، استاد تمام هستند پس علمی حرف بزن. گفتم: علمی یعنی چه؟ گفت: مثلاً از این آیه‌های ساده نخوان، «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» به پدر و مادرت احسان کن. به استاد دانشگاه نباید گفت: به پدر و مادرت احسان کن. به بچه باید گفت: بچه، به پدر و مادرت احترام بگذار. به استاد دانشگاه و پروفیسور که نمی‌شود... به آیت الله که نمی‌شود گفت... دیدم عجب اینها قرآن را علم نمی‌دانند. گفتم: امروز به شما حالی می‌کنم که علم چیست. بلند شدم روی تخته دانشگاه نوشتم «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». شما همین کلمه را بخوانید. قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

۵- دقت و تأمل در کلمات قرآن کریم

این آیه علمی که نیست. به پدر و مادرت احسان کن، اما از همین جمله، بیست نکته علمی بیرون بکشیم. چطور؟ اما گفته: «بال» این ب در ادبیات عرب یعنی بچسبد، بای الصاق، دو نامه را که با سنجاق می‌چسبانند، می‌گویند: الصاقی، الحاقی یا پیوست. «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» یعنی احسانت به پدر و مادر بچسبد. یعنی چه؟ یعنی مادرت مریض شد، خودت او را دکتر ببر. نگو تا کسی تلفنی برو. «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» بچسبد. ۲- قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نگفته «بالابوین احسانا» ابوین و والدین فرق دارد. عرب‌ها به پنج نفر آب می‌گویند، به پدر و مادر «أبوین» می‌گویند. به عمو هم آب می‌گویند. به معلم هم آب می‌گویند. به رهبر هم آب می‌گویند، «مَلَّةً أْبَیْکُمْ إِبْرَاهِیمَ» (حج/۷۸) به پدر زن هم آب می‌گویند. نگفته: «بالابوین احسانا» گفته: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». حساب والدین از همه جداست. ۳- قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نگفته: «بالوالدین مؤمنین»، «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» چه مؤمن باشند و چه کافر. پدر و مادر بد هم بودند باید به آنها احسان کرد. قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نگفته «بالوالدین حیا»، «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» چه

زنده باشند و چه مرده. قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نگفته چه زمانی، نماز ما زمان دارد. یک دقیقه قبل از وقت نماز بخوانی باطل است. روزه زمان دارد، ماه رمضان، حج زمان دارد، ماه ذی الحجه. زکات زمان دارد وقتی گندم را درو کردی.

واجبات دیگر زمان دارد، اعتکاف زمان دارد، روزه زمان دارد، جهاد زمان دارد. «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» زمان ندارد. دیپلم یا رهبری، لیسانس یا فوق لیسانس، «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» هرکس در هر زمان و در هر رتبه‌ای که هست. قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». نگفته: «بالوالدین انفاقاً» انفاق یعنی پولش بدهید. نگفته به پدر و مادر پول بده. پدر و مادر خیلی وقت‌ها پول نمی‌خواهند، محبت می‌خواهند.

۶- برخورد با والدین، بر اساس احسان، نه عدالت!

قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نگفته: «بالوالدین عدل و احسان» باقی مردم را خدا یک آیه دیگر داریم جای دیگر. می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) با مردم عدالت و احسان، ولی پدر و مادر را خدا عدالت را برداشته، نگفته «بالوالدین عدل و احسان» چرا باقی مردم عدل و احسان، پدر و مادر فقط احسان؟ عدل نیست؟ عدل یعنی عدالت، عدالت یعنی تعادل، تعادل یعنی تو یکی و من یکی، موشک جواب موشک، تو یکی و من هم یکی، لذا قرآن گاهی وقت‌ها می‌گوید: به پیغمبر گفتند: ابتر، می‌گوید: من ابتر هستم؟ «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر/۳) خودش ابتر است.

خلی، من خل هستم؟ «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ» (بقره/۱۳) خودش خل است. اما اگر پدر به بچه‌اش گفت: احمق، بچه بگوید: من احمق هستم؟ خودت احمق هستی. (خنده حضار) با مردم تعادل، بد گفتند بگو خودت هستی. اما به پدر و مادر، باقی مردم «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» اما نسبت به والدین فقط «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». عدل نه او زد و من هم زدم. عه... این فحش داد و من هم فحش دادم. ابداً، قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» چهار بار تکرار شده است. تکرار راز دارد. سال ۳۶۵ روز است. ۳۶۵ کلمه «یوم» در قرآن است. سال دوازده ماه است، دوازده بار کلمه «شهر» در قرآن است. «شهر رمضان» یعنی ماه رمضان. کلمه شهر یعنی ماه. سال دوازده ماه دارد دوازده تا شهر در قرآن است. سال ۳۶۵ روز است، ۳۶۵ کلمه «یوم» در قرآن است. ۱۱۵ کلمه دنیا در قرآن است و ۱۱۵ کلمه آخرت در قرآن است. اینکه چیزی را یکبار گفته، چیزی را دو بار گفته، مثلاً کلمه سختی دوازده بار است. «عسر» کلمه «یسر» آسانی ۳۶ بار است. «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح/۶) جای دیگر قرآن داریم «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق/۷) یعنی سختی دوازده ولی گشایش ۳۶ بار یعنی با هر سختی سه آسانی تضمین شده است.

۷- احسان به والدین، پس از بندگی خدا

یکی دیگر... قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» چهار بار در قرآن تکرار شده و چهار بار هم کنار توحید است. می‌گوید: «أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا إِيَّاهُ» (یوسف/۴۰) بندگی نکنید جز از خدا، فقط بنده خدا باشید. بعد از خدا می‌گوید: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» یعنی «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» کنار خدا قرار گرفته است. یعنی بعد از خدا، پدر و مادر. «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

قاری: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» این «بالوالدین» باید قبلش یک چیزی باشد، مثلاً می‌گوییم: «قال الله» خدا

گفته، «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، «امر الله» خدا امر کرده «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». «حکم الله» خدا حکم کرده «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». این قبل از «وَبِالْوَالِدَيْنِ» باید چیزی باشد. این جمله قبلش است، «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء/۲۰) این قضی یعنی چه؟ «قضی» به دستورهای قضی می گویند، که قابل تغییر نیست. یعنی قانون «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» در هیچ دینی تغییر نمی کند. قضاوت خدا این است که آسمان ها هفت تاست، یعنی هیچوقت هشت تا نمی شود. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ» قضاوت خدا این است. قضاوت به فرمان هایی است که قابل تغییر نیست. تازه نگفته «قضی الله» گفته «قضی ربک» رب یعنی چه؟ رب یعنی مربی، خدا «ربک» یعنی مربی تو، مربی تو گفته به پدر و مادر احسان کن، یعنی چه؟ یعنی اگر می خواهی تربیت شوی، امور تربیتی، به پدر و مادرت احسان کن تربیت می شوی. چطور؟ من مادرم را می بینم. دست مادرم را می بوسم. وقتی خم شدم، دست مادرم را بوسیدم، به مادرم احسان کردم و محبت کردم و خودم تربیت شدم. یعنی غرور و تکبرم را می شکنم. من مرد هستم و تو زن هستی. من باسواد هستم و تو سواد کمتری از من است. وقتی آدم به پدر و مادرش احسان می کند، مثل آدمی که لباس می شوی. آدمی که لباس می شوید ضمن اینکه لباسش پاک می شود، دستش هم پاک می شود. عرق بدنش هم درمی آید. غذایش هم هضم می شود و ایام فراغتش هم پر می شود. درست است اگر با او مصاحبه کنند و بگویند: چه می کنی؟ می گوید: لباس می شوم اما درست است، اسمش این است که لباس می شویی اما کسی که لباس می شوید ایام فراغتش پر می شود، ورزش هم می کند. لباسش که تمیز شد شاد می شود، کسی که لباسش تمیز را دید شاد می شود. اگر برای کسی لباس بشوید محبت او هم در دل او تقویت می شود. پوستش این است که دارد لباس می شوید اما درونش هم چیزهایی هست.

۸- نماز، مظهر همه کمالات بشری

مثل نمازی است که می خوانیم. شما نماز که می خوانید ظاهرش این است که الله اکبر، بسم الله الرحمن الرحیم، همه چیز... من هرچه فکر کردم، چند سال است در نماز دارم فکر می کنم. کمالی نیست مگر اینکه در نماز هست. مسائل سیاسی، حضور در صحنه، قد قامت الصلاة، همه حاضر می شوند. عدالت، پیشنماز باید عادل باشد. عادل باشد یعنی چه؟ یعنی در عمرش گناهی نکرده باشد، نه، یعنی من از او گناه ندیدم. ممکن است شما بگویید: آقای قرائتی تو خودت، خودت را عادل می دانی، لازم نیست بپرسی. شما که از من گناه ندیدی می توانی پشت سر من نماز بخوانی. نظم در نماز هست، صف ها باید منظم باشد. خورشید در نماز هست برای تشخیص ظهر، «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ» (اسراء/۷۸) ماه در نماز هست برای نماز اول ماه، وسط ماه، آخر ماه، ستاره در نماز هست برای تشخیص قبله، آب در نماز هست برای وضو و غسل، خاک در نماز هست برای سجده و تیمم. یاد شهدا در نماز هست، مهر کربلا، مردمی بودن در نماز هست. در نماز نمی گوییم: صف اول برای بنر سوارها، صف دوم برای توپوتا، صف سوم برای پژو تا برسد به موتورگازی، نه اینطور نیست که همه با هم بحول الله و همه با هم سمع الله. ورزش در نماز هست، توحید در نماز هست. نبوت در نماز هست. «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» حرف هایم که تمام شد در دانشگاه و از «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نکات بیرون کشیدم، گفتم: آقایان، اینها را می دانستید؟ گفتند: نه! ما همینطور می گفتیم «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» رد

می شدیم. نمی دانستم از «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» اینقدر حرف درمی آید. ما مثلمان مثل عوام است. می گوییم: نفت، می گویند: همین است که در چراغ است. اما دنیای پتروشیمی از نفت هزارها چیز درمی آورد. ما هنوز مزه قرآن را نچشیدیم، مزه تفسیر را نچشیدیم. هنوز دین را شناختیم. امیدواریم که هم دین را بشناسیم، هم عاشقانه عمل کنیم، هم دین را سالم به نسل بعد برسانیم.

«والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته»

«سؤالات مسابقه»

۱- خداوند به چه کسی فرمان می دهد به پیامبران پیشین اقتدا کن؟

- ۱) پیامبر اسلام
- ۲) حضرت ابراهیم
- ۳) حضرت موسی

۲- کدام نوع تقلید درست است؟

- ۱) جاهل از عالم
- ۲) عالم از عالم
- ۳) هر دو مورد

۳- آیه ۴۳ سوره نحل چه فرمانی می دهد؟

- ۱) ذکر و یاد خدا
- ۲) سؤال از عالمان
- ۳) رسیدگی به سائلان

۴- سفارش خداوند درباره ی والدین چگونه است؟

- ۱) احسان به والدین
- ۲) عدالت با والدین
- ۳) هر دو مورد

۵- احسان به والدین در قرآن، پس از چه فرمانی آمده است؟

- ۱) اقامه نماز
- ۲) انفاق به نیازمندان
- ۳) توحید و یکتاپرستی

🌸 کانالهای درسهای از قرآن :

شاد <https://shad.ir/moravejan> ایتا <https://eitaa.com/tarheonsebaquran>

بله Tarheonsebaquran@ سروش <https://splus.ir/tarheonsebaquran>

🌸 🌸 دانش آموزان عزیز برای شرکت در مسابقه به مجری محترم مسابقه مدرسه مراجعه کنند

🌸 برای شرکت در مسابقه پیامکی پاسخ سؤالات رابه صورت عدد ۵ رقمی به عدد ۳۰۰۰۱۱۴ پیامک کنید.

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی